



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.

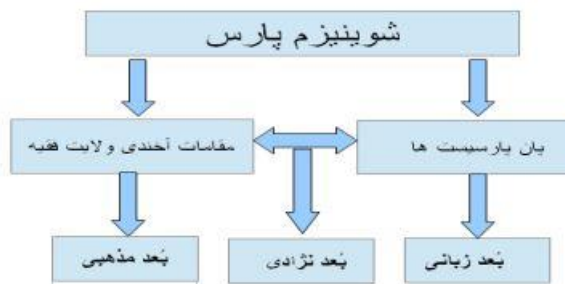


۲۲/۰۳/۲۰۲۵

انجینر قیس کبیر

## غور و تحلیل زبان دری از دیدگاه یک انجینر ورژن دوم

بعد از اینکه ورژن اول این مقاله مورد علاقه مندی اهل خبره قرار گرفت، و در ضمن پیشنهاد های به خاطر گنگ بودن بعضی از قسمت ها، برایم رسید، خواستم ورژن جدید را خدمت شما عزیزان تقدیم کنم.



شوینیزم سه بُعدی ایران در منطقه بیداد میکند. با گذار از دو بُعد مذهبی و نژادی آن، تمرکز نوشته ام مختص به بُعد زبانی آن می باشد.

شوینست های زبانی ایران یکدست با چوکره های افغانی شان چنان تبلیغات مبالغه آمیز و دور از واقعیت را برای زبان فارسی در راه انداخته اند که روزه روز به تعداد ناآگاهان افزوده میشود. در این مقاله کوشش بر آن است تا واقعینانه توان و ضعف های این زبان را مسلکی بیان کنیم، تا باشد، خصوصاً افغانهای ما در دام این پروپاگند ها نه افتاده و یک عکس خنثی و بدون بزرگ بینی بیجا را از زبان فارسی/دری داشته باشند.

یکی از رشته های انجینری غور و تحلیل می باشد. قبل از آنکه یک ماشین و یا یک سیستم تخنیکی توسط یک سیستم جدید تعویض شود، باید سیستم موجوده توسط انجینران متخصص غور و تحلیل گردد. نواقص آن، قوت های آن، ضعفهای آن، از هر نگاه چه اقتصادی و چه تخنیکی و ... بررسی شود. بعداً تصمیم گرفته میشود که آیا سیستم موجوده توسط انکشاف یک سیستم جدید تعویض گردد و یا خیر؟

غور و تحلیل نوشته ذیل نظر به تجارب اینجانب در شکل گیری «قاموس کبیر افغانستان» تحریر گردیده، نه صائب نظر در مسائل زبان شناسی و ادبیات. خواهشمندم در صورت نواقص بدون تردید، ما را واقف بسازید. حق اشتباه را برایم محفوظ میدارم. چون آدمی در ذات خود جایز الخطاست.

در عصر امروز، برای آموختن یک زبان مهمترین فکتور، پروفایل، یا همانا مشخصات یک زبان است که باعث علاقه و کشش آن میشود، تا آن زبان را بیاموزد. آموختن زبان مادری به صورت طبیعی صورت میگیرد، خصوصاً وقتی که آموزنده در ملک خود زندگی میکند. این بحث را منحصر به افغانها میکنیم که تعداد کثیر شان نظر به جبر روزگار در خارج از کشور زندگی میکنند.

چون اساس و تهداب الفباء و دستور زبان دری را زبان عربی می سازد در پهلوی مزایای دیگر زبان عربی مانند زبان بین المللی، کلام، فلسفه و علوم همراه با تجارت، بزرگترین و مهمترین فکتور و پروفایل این زبان «دین و مذهب» است. مسلمانها از هر گوشه جهان، با هر ملیت و رنگ و قیافه آنها به حیث لسان قران می آموزند. این خصوصیت را متأسفانه لسان های ملی ما ندارند. اگر ما امروز پروفایل شعر عروضی (دارای وزن و قافیه وارد شده از عربی) را از موسیقی لسان های دری و پشتو دور کنیم، دیگر کدام فکتور زنده در این لسانها باقی نمی ماند که به آن بتوانیم

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

نسل نو خود را، خصوصاً در ممالک پیشرفته خارج از افغانستان تشویق به یاد گرفتن کنیم. نسل نو ما در خارج نظر به دیدگاه والدین کم و بیش لسان های مادری خود را یاد میگیرند، آنها به خاطر که با مادرکلان و پدرکلان خود تکلم کرده بتوانند و نه به خاطر علمی بودن آن. شما یکبار دور و پیش تا آنرا مطالعه کنید و بعد آینده یک نسل بعد را در نزد خود مجسم کنید.

داکتر رضا باطنی زبانشناس مجرب در پوهنتون تهران می نویسد: «زبان فارسی، در وضع فعلی برای برآوردن نیازهای عادی روزمره مردم با مشکلی مواجه نیست، ولی برای لغت سازی علمی از زبانی الزم (لازم) برخوردار نیست و نمی تواند یک زبان علمی باشد.»

**فارسی زبانی عقیم، مقاله ای از دکتر باطنی** [روی عنوان داده شده برنگ آبی لطفاً کلیک کنید و مقاله را خود بخوانید.]

- **وابستگی «پارسی و دری» خصوصاً از لسان عربی:**  
در «قاموس کبیر افغانستان» ما تا حال زیادتیر از ۲۰۰ مصادر ساده و بسیط را تشخیص نکردیم که برای لغت سازی علمی از زبانی لازم برخوردار باشند... تقریباً ناممکن است که از این لسان، یک زبان علمی ساخت. زیادتیر از ۶۰ فیصد این زبان ریشه عربی و ۱۰ فیصد دیگر آن ریشه ترکی و ۱۰ فیصد دیگر آن از ریشه انگلیسی، و بقیه از زبان های ارامنی، عبری پهلوی هندی، یونانی و دیگر لسان ها دارد.
- شعر مشهور مولانای بلخ:  
بشنو از نی چون حکایت میکند      وز جدایی ها شکایت میکند

دو لغت عربی **حکایت و شکایت** که در ساختار این شعر عالی نقش به سزایی را بازی کرده اند و همینطور در دیگر اشعار. و یا اشعار دیگر «دری/ و فارسی»: به لغات کلیدی سه بیت ذیل دقت کنید

شعر شاعر از بهشت عقل، اعلی می شود >> **شعر+شاعر+بهشت+عقل+اعلی=عربی**

رفعت بالا نصیب بحر معنی می شود >> **رفعت+بالا+نصیب+بحر+معنی=عربی** بالا در عربی خوشبو

قدرت شعر از بلاغت ها به اوج >> **قدرت+شعر+بلاغت+اوج=عربی**  
جمله تصویر در فصاحت ها چو موج >> **جمله+تصویر+فصاحت+موج=عربی**

آسمان و کوكب و بحر حسین ما تو ای >> **آسمان+کوكب+بحر+حسین=عربی**  
در فضا و انجمن برتر جبین ما تو ای >> **فضا+انجمن+جبین=عربی**

اگر ریسمان شتر های آنها را باز کنم و شتران به کاروان های اصلی خود بروند جز چند پاره ریسمان چیز دیگر از نظم شما باقی نخواهد ماند.

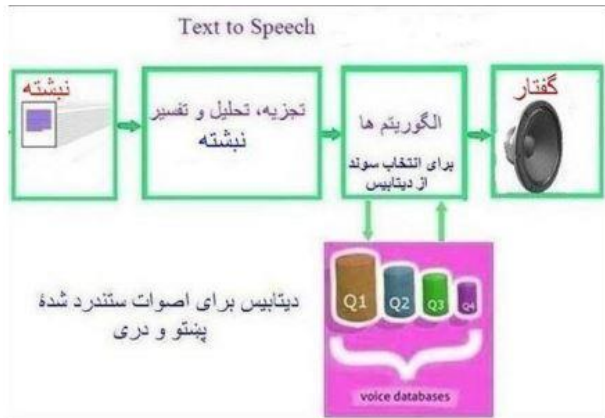
روشن است که عربی و چند زبان دیگر که اساس زبان فارسی را می سازند، کلمات آنها اگر از زبان فارسی دور انداخته شوند، پس برای تصفیه کردن زبان فارسی نه تنها لباسش را بیرون خواهید کرد بلکه گوشت و پوست و استخوانش را هم بدور خواهید ریخت. آنگاه درین زبان جز چند حرف ربط و چند لغت بطور مشت نمونه خروار مانند پزشک، آخشپج، واژه، ویژه و... چیز ارزشمندی در اصل زبان نخواهد ماند.

کشیدن لغاتی که اساس زبان را می سازند اگر زیرتوطنه نزاع برتری زبانی با کلمه عوامفریبانه پاکیزگی زبانی لغات کشیده شوند مرگ زبان را محتوم میسازند. درین زمینه بسیار کوشش ها صورت گرفته که بقول یک عده:

از آلودگی زبان های خارجی آراسته و پیراسته سازند. مگر چون چنین چیزی امکان پذیر نیست، با زور و توان هر سه رژیم رضا خانی ها (پدر و پسر) و آخوند ها و چوکره های افغانی آنها همه به شکست مواجه شده

اند و سرخم ازین بازی گذشته اند. آنها در عمل متوجه شده اند که این سنگ از جایش حرکت نمی کند چون تهداب یا شاسی این موتور زبان را اگر برداریم ماشین بزمین میخورد و از کار می افتد. آنانیکه آب در آونگ می‌کوبند منظورشان جز نفاق افگنی و در مضیقه قرار دادن زبان دری چیزی دیگری نمیتواند باشد. **آب که از دو عنصر کیمیای گاز هایدروجن و یک عنصر آکسیجن ساخته شده است، نمیتوان آب را با دور کردن یکی از این عناصر خالص ساخت، چون درین صورت آب از آب بودنش خارج شده به گاز تبدیل میشود.**

- به جزء چهار حرف که مشهور به «چپگژ» [چ، پ، گ، ژ] است متباقی همه حروف زبان دری، حروف عربی میباشند.
- میتوان گفت که در بخش ساختار گرامر لسان دری/فارسی، عربی نقش همه جانبه را بازی می کند. صرف و نحو، اسم، اسم زمان، اسم مکان، صفت، مصدر، اسم مصدر، فعل، فاعل، مفعول، ضمیر، قید و... همه عربی اند.
- این اصل در لسان های غربی مانند انگلیسی، المانی، فرانسوی و هسپانیوی نیز موجود است که اساس ریشه های لغات و اصطلاحات علمی آنرا زبان لاتین تشکیل میدهد و اگر این اصطلاحات را از این زبان ها دور کنیم، زبان های فقیری فاقد اصطلاحات علمی به جا خواهد ماند.



- درین اواخر تکنالوژی (Text to TTS) در کتابهای الکترونیک به هدف خواندن محتوی آن در حالت ادغام است که بنام تکنالوجی "نوشتار به گفتار" یاد می شود.

بدون اعراب ما قادر نیستیم، شکل تلفظی کلمات را اداء کنیم. تکنولوژی مدرن «نوشتار به گفتار» برای «پارسی و دری» بدون پشتوانه لسان عربی قابل انکشاف نیست. برای معلومات بیشتر به این لینک از این قلم مراجعه کنید:

[تکنالوجی Text to speech نوشتار به گفتار](#) (روی عنوان داده شده برنگ آبی لطفاً کلیک کنید و مقاله را خود بخوانید.)

#بر میگردیم به وضعیت زبانی در منطقه که در اصل چگونه بوده است و زبان دری پارتی از حالت بومی بیکاره چگونه به زبان ادبی عرض اندام میکند. بنا به تحقیقات زبانی آقای مسعود فارانی واضح می شود که:

"با آمدن اسلام در منطقه بنابه ضرورت زمانی زبانی سه زبان در منطقه بدون دعوای تفوق طلبی به خاطر اجرای کار ها چنین رائج شد.

که از زبان ترکی، منجیث زبان دربار شاه، قشون، دفاع و امنیت کار می گرفتند.

زبان دیوان مدیریت اداری ملکی (Administration) و ادب به زبان دری پارتی که به غلط مشهور دری پارسی\* شده مشخص می شد

زبان بین المللی دین، کلام، فلسفه و علوم همراه با تجارت از روی نیاز به عربی مشخص می شد. پس بنابه خلاقیت زبانها از زبانها کار گرفته می شد.

البته فراموش نشود که قبل از آمدن اسلام مسائل علمی و تجارت را با زبان پهلوی در منطقه اجرا می کردند اما زبان پهلوی زبان نارسا و افتاده ای بیش نبود و این زبان در حال مردن و از بین رفتن بود. همینکه زبان عربی زبان بومی پارتی دری را دوباره در منطقه احیاء کرد، زبان پهلوی ناقص گلیم اش جمع شد. درین حالت زبان عربی مسائل علمی و تجارت را که از عهده اش با توانایی برآمده میتوانست، عهده دار شد و زبان پارتی دری بازم بوسیله اعراب در منطقه تقویه و جایگزین مدیریت اداری و ادبیات گردید که مورد علاقه شعراء و ادیبان نیز قرار گرفت.

وسبب شگوفایی ادبیات در منطقه شد، زیرا قبل ازین هیچ اثری به زبان دری پارتی که غلط مشهور آن دری فارسی شده است وجود نداشت. "

دلایل علمی بودن لسان عربی را میتوان از آثار علمی البیرونی، ابن سینا، فارابی، نصیرالدین طوسی و دیگر عالمان درک کرد که چرا به لسان عربی تحریر یافته اند. تنها اگر طبابت را

### سیستم عددی لسان عربی:

- اساس ریاضی را اعداد تشکیل می دهد که بدون داشتن اعداد منطقی، ریاضی بی معنی می شود... سیستم عددی را در تمام جهان «اعداد دسیمال عربی» تشکیل می دهند، که در جهان به نام «System Decimal» یاد می شوند. ساختمان این اعداد از ده (۱۰) (Digits) 0,1,2,3,4,5,6,7,8,9 با بز (base) عدد ده (۱۰) تشکیل شده است.
- به همین طور همه اعداد از صفر گرفته تا میلیون، بیلیون ساخته و یا به وجود می آیند و بشر در زندگی روزمره خود در هر بخشی با آن حساب می کنند.

با سیستم «دسیمال عربی» تمام معاملات اقتصادی جهانی از خرید و فروش، بانک ها، بیمه ها و ... صورت میگیرد.

کشف عدد صفر یک انقلاب جهانی بود. با اعداد {0,1} انسان توانست، سیستم binary را به وجود بیاورد که (base) آن عدد 2 است. توسط این سیستم های کامپیوتری، موبایل و ... به وجود آمدند.

محمد بن موسی خوارزمی در قرن سوم هجری، علمی را برای نخستین بار صورتبندی و تدوین کرد که خود آن را «الجبر و المقابله» نامید، علمی که تمام شرایط یک دانش واقعی را داشت، یعنی همان که اروپاییان از آن به «ساینس» تعبیر می کنند. این ریاضیدان توانست با این دانش تمام معادلات درجه دوم زمان خود را حل و راه را برای حل معادلات درجه بالاتر هموار کند. اگر شما در ویکیپدیا فارسی راجع به این شخصیت جستجو کنید، برای تان تعجب آور خواهد بود که ملیت وی را به ایران نسبت داده اند: محمد بن موسی خوارزمی

در سال 1935 توطئه استعمار وقتی آغاز شد که نام افسانوی خطه "ایران" را که مرکز آن افغانستان باشد بدون اجازه از ملت و دولت افغانستان این نام را غصب و بر فارس گذاشتند. البته ایران امروزه نیز بخش کوچک از این خطه افسانوی شمرده میشود. تأسف درین است که فارسها با نیرنگ تغییر مملکت خود نام و به کمک پول فروان، تمام مفاخر منطقه را از راست به چپ و از چپ به راست به نام ایران و یا آریانا ثبت کردند.

آقای مسعود فارانی مینویسند: "ما نمونه های زیادی از چنین خطه های در کره خاکی خود داریم که تحت یک نام کشور های زیادی قرار میگیرند. به طور مثال ممالک اسکاندیناوی و جزایر بالکان [بalkan] را داریم. توجه بفرمائید که اسم "اسکاندیناوی" منطقه را که شامل کشور های سویدن، ناروی، دنمارک، فن لند، ایسلند، و جزایر فارو است، یا جزایر "بالکان" که شامل کشور های یونان، البانی، بلغاریا، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، اسلونی، جمهوری مقدونیه، صبرستان، مونته نگو، رومانی و بخش اروپایی ترکیه می باشد اگر یکی ازین کشور های یاد شده نام خود را یا اسکاندیناوی و یا بالکان بگذارند و تمام افتخارات منطقه را بزور تبلیغات جعلی از پول باد آورده شده سرشار نفتی بغرض فریب جامعه و جهان تدارک ببیند، آیا جنایت آشکار نیست؟"

خوشبختانه افتخارات کاذب مثل دروغ عمر کوتاه دارد. ازینرو هم اکنون ایرانیان بزرگ و با انصاف و با شرف و فرهیخته این خطه با اسناد مؤثق نشان داده اند که فارسهای این سرزمین تلاش دارند تا برای خود هویت سازی کنند.

- در زبان فارسی دری اسمی مانند جذر، مثلث، ضلع، زاویه، و...، صفات مانند زاویه متساوی الساقین، متساوی الاضلاع و... وجود ندارند که بدون آنها از هندسه استفاده شده نمی تواند و اگر قاموس نگارستان (فرهنگستان زبانی فارسی ایران) کوشش کرده است، معادل فارسی آنها را بسازد، اول اینکه خود را مسخره ساخته اند و حالا می خواهند که این کلمات نامأنوس خویش را، به حیث ۵۰۰۰۰

لغت قابل قبول به افغانستان و تاجکستان تحفه بدهند... که از لحاظ دیپلوماسی پذیرفته شده مگر در چوکات زبان علمی بسیار ناقص است که **نیازهای علمی** را اصلاً برآورده کرده نمی تواند.

فلهذا ترجمه این لغات نه تنها اینکه لغات مانوس عربی را نامانوس ساخته درعوض برای محصلین مشکلات اضافی را به وجود می آورد، یعنی آموختن این لغات جدید قبل از موضوع درس، که محتوای درس را بغرنج تر می سازند و در اصل به محتوای درس کوچکترین کمک نمی کنند.

در خاتمه توقع اینجانب از شما هموطنان عزیز اینست، بازیچه دست کسانی نشوید که از لسان ابزار سیاسی ساخته اند و آنرا به مقاصد سیاسی استفاده ناجایز می کنند. در جهان پیشرفته لسان برای تولیدات استفاده میشود، برای کمونیکشن استفاده میشود، برای این استفاده میشود که چطور یک محصول خوبتر را در مارکت آوردن و ...، هیچگاه آنها لسان خود را سیاسی نمی سازند.

شعر و شاعری خوب، نه (مدح سرایی زورمندان و پولدارن برای کسب امتیاز، زن ستیزی و بچه بازی) مانند حلوی مزه دار بعد از صرف یک غذای لذیذ است. ملت که محتاج غذای شکم خود است، نه شعر و شاعری مفهوم دارد و نه لسان سیاسی. بهتر است، خود با علوم مجهز سازیم که به درد ما هم در خارج و هم در داخل بخورد.

و من الله توفیق